**این ادا اطوارا یعنی چه؟**

پدید آورنده :

|  |
| --- |
| **نگاهی به توصیه¬های اخلاقی مرحوم آیت¬الله تهرانی و مرحوم آیت¬الله خوشوقت**  شرکت در جلسات درس اخلاق در فرصت های ماه مبارک رمضان که امسال حال و هوای تابستانی به خودش گرفته، خالی از لطف نیست. ما هم گوشه ای از توصیه های اخلاقی دو معلم اخلاق، مرحوم آیه الله حاج آقا مجتبی تهرانی و مرحوم آیه الله حاج شیخ عزیزالله خوشوقت رضوان الله علیهما را برای شما خوانندگان پرسمان برگزیده ایم؛ ولی افسوس که دیگر در این ماه رمضان در میان ما نیستند؛ تا پای درسشان بنشینیم و بهره ببریم. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.  **نگاهی به برخی توصیه های اخلاقی مرحوم آیه الله حاج آقا مجتبی تهرانی**  ر‎ها کن و برو!  کسی که می‎بیند توان این مسئولیت را ندارد که در سطح اجتماع مسلمین یا هر محیط دیگر، زمینة تربیت انسان‎‎ها را فراهم کند و دستورات الهی را انجام دهد، نباید کار را بپذیرد؛ چه رسد به این‎که برای رسیدن به آن منصب و پست، تلاش و رقابت کند! لذا اگر کسی علم دارد که ناتوان است، ولی درعین‎حال خودش را در معرض این مسئولیت‎‎ها قرار دهد، معلوم می‎شود که متدین واقعی نیست. یک وقت هست که نمی‎داند، وقتی وارد کار شد، می‎فهمد که نمی‎تواند؛ اگر متدین است، باید کار را ر‎ها کند و برود.  مؤمن، این دو ویژگی را ندارد.  پیغمبر اکرم‎ صلّی الله علیه وآله فرمودند: «خَصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِی مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَ سُوءُ الظن بِالرّزْق‎؛ دو خصلت، هیچ‎گاه برای مؤمن به‎وجود نمی‎آید: بخل و سوءظن به رزق». این روایت، خیلی ظرافت‎کاری دارد. «اعتراف به ربوبیت»، یک وقت زبانی است؛ یک وقت «اعتقاد عقلی» است و یک وقت از واردات قلبی است که اسم آن می‎شود «ایمان». همین که بگوییم: «ایمان»، می‎شود «امر قلبی». کسی که به ربوبیت حق، اعتقادِ قلبی داشته باشد، بخیل نمی‎شود و سوءظن نسبت به رزق، پیدا نمی‎کند. حضرت، این مطلب را خیلی صریح بیان می‎کنند.  **مانع اصلی چیست؟**  این را بدانید آن‎چه که مانع است، تعلقات نفسانی است. «تعلقات نفسانی، مانع است»؛ نه می‎گذارد حق را تشخیص دهی، نه راه رسیدن به حق را، نه حرکت در راه حق را و نه می‎گذارد پایداری در این راه کنی. اگر اینها را کنار بگذاری، حق می‎درخشد؛ راهش را هم خودش نشان می‎دهد و بعد هم وقتی زیبایی‎اش را دیدی، به حرکت می‎افتی. مانع همة اینها، تعلقات نفس است. علی علیه‎السلام بعد از این جملات به «استقامت» و «صبر» سفارش می‎کنند؛ «وَالِاسْتِقَامَه الِاسْتِقَامَه ثُم الصبْرَ الصبْرَ وَ الْوَرَعَ الْوَرَعَ إِن لَکمْ نِهَایه فَانْتَهُوا إِلَی نِهَایتِکمْ؛ بر شما باد به پایداری، پایداری؛ سپس به صبر، صبر و ورع و پرهیزکاری. همانا برای شما پایانی است. پس خویش را به مقصد خویش برسانید»!  **بعضی‎ها حق را تشخیص دادند اما...**  علی علیه‎السلام فرمود: از حق دست برندارید! از این جمله معلوم می‎شود که نظر حضرت به عده‎ای بوده است که حق را تشخیص دادند، راه رسیدن به آن را هم پیدا کردند و چه بسا مدتی هم در آن راه قدم گذاشتند، بعد عواملی موجب شد که دیگر پایداری نکردند؛ «فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَق وَ وَلَایه أَهْلِ الْحَق فَإِنه مَنِ اسْتَبْدَلَ بِنَا هَلَک». چقدر زیبا می گوید؛ اینها از حق کناره گرفتند و رابطه‎شان را با کسانی که راهبران به‎سوی حق بودند و در مسیر حق رهبر بودند، قطع کردند و برای همین هلاک شدند.  **برای رسیدن به شهود چه کنیم؟**  ... آنهایی که می‎خواهند به شهود برسند، باید همین مسیر شرع را بروند. این را بدانید که از نظر مقامات معنوی، راهی جز همین راه شرع نداریم؛ یعنی ترک محرمات و اتیان واجبات. خیال نکنید ذکر و وِرد و امثال اینها آدم را به‎جایی می‎رساند! اگر این نباشد، همة آنها بی‎اثر است. گاهی به من مراجعه می‎کنند و می‎گویند: چه‎کار کنیم؟ می‎گویم: این اداواطوار درآوردن یعنی چه؟ اگر واقعاً می‎خواهی معصوم شوی، با ترک محرمات و اتیان واجبات، می‎شوی معصوم؛ مستحبات و مکروهات هم پیشکِشت! این را مقید باشید. بنا نیست ‎نعوذ بالله، انسان یک زبان افسارگسیخته داشته باشد؛ چشم افسارگسیخته داشته باشد؛ گوش افسارگسیخته داشته باشد؛ اعضا و جوارح ظاهری‎اش از نظر مسائل شرعی، اصلاً رعایت نکند و بعد این با ذکر و وِرد به مقامات معنویه برسد. نه خیر، معلوم می‎شود که هیچ درک نکرده‎ای معارف اسلام را....  **راه نجات از خطر**  من می‎خواهم امشب و در این جلسه به جوانان توصیه کنم که مواظب باشید! می‎خواهند شما را به لاابالی گری بکشانند. اینها دشمنان اسلامند که شما را به لاابالی گری می‎کشانند. می‎خواهند روحیة تعبد را از شما بگیرند. مواظب باشید و این را حفظ کنید؛ به خصوص این گوهر گران بها را حفظ کنید! نکند یک وقت آن طرف، دل هایتان را از حسین جدا کنند! خطر آن‎جاست! بدانید که نجات‎دهندة شما هم همین پیوند با حسین است!  **توصیه های اخلاقی مرحوم آیه الله حاج شیخ عزیز الله خوشوقت**  بهترین توصیه، تقواست؛ چون خدا اعلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ یحِبُّ الْمُتَّقِینَ»؛1 آدم های باتقوا را خدا دوست دارد؛ پیغمبراکرم هم دوست دارد؛ حضرات معصومین، حتی آن آخری هم دوست دارند. اگر گناه انجام دهیم، با ما دشمن می شوند. این، موجب می شود که ما ایشان را نبینیم و فاصلة بین ما با ایشان بیفتد، ان شاءالله که خدا توفیق تقوا را مرهمت کند؛ آن وقت مشکل هم حل می شود.  1. آل عمران، آیة 76.  **رفتار متقین در اجتماع**  مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دربارة صفات، فضایل، آثار و روحیات انسان های با تقوا در خطبة متقین فرمودند:  «لَا یحِیفُ عَلَی مَنْ یبْغِضُ»؛ یعنی انسان با تقوا، با کسانی که بد است، به آنها ظلم نمی کند.  بعضی از کسان هستند که وقتی پست گیرشان می آید، به آنهایی که با او میانه شان خوب نیست، کار نمی دهند و با آنهایی که خوب هستند، کار می دهند. به آنهایی که میانه اش با او بد است، اضافه حقوق نمی دهند و به آنهایی که میانه اش با آنها خوب است اضافه حقوق می دهند، متقین، این جور نیستند؛ بلکه طبق وظیفه عمل می کنند.  «وَ لَا یأْثَمُ فِیمَنْ یحِبُّ»؛ یعنی [انسان با تقوا] اگر کسی را هم دوست داشته باشد، این دوستی باعث به گناه افتادن او نمی شود. خیلی ها هستند، اگر فردی قوم و خویششان باشد، به خاطرش مبتلا به گناه می شوند و یک کارهایی می کنند که گناه است و نباید دربارة او انجام می داند؛ اما چون دوستش دارند، قوم و خویششان است، یک کارهایی می کنند یک پُست هایی به او می دهند که لیاقت و صلاحیتش را ندارد. این، گناه و ظلم است نباید این کار را بکنند، باید هر کسی را به اندازة شایستگی و لیاقتش کار واگذار کرد؛ نه به اندازة دوستی و رفاقتش با ما.  **منافقین امروز و لزوم احتراز از آنها**  امروز جامعه ما این جوری شده که هر سال تعدادی منافق اضافه می شود. منافق، اسلام را قبول ندارد؛ اما چون زندگی اش این جاست، ظاهراً اظهار اسلام می کند؛ اما برای مسلمان ها خطر که پیش می آید، تأیید می کند و سال به سال هم تعدادشان بیشتر می شود؛ چون سیل علوم غربی به این جا سرازیر شده است. علم غربی، بدون آداب و رسوم زندگی نمی آید؛ کنارش لختی بودن می آید؛ کنارش همه چیز می آید و اینها دارند زیاد می شوند و بعدش هم چون سابقاً با مسلمان ها ارتباط داشتند، حالا می خواهند ارتباط را ادامه بدهند. مسلمان ها باید بیدار باشند که اینها ظاهرشان با ماست؛ اما باطنشان با دشمنان ماست. وقتی فتنه برپا می شود، ملحق به آنها می شوند. یکی از موارد بسیار مهم، اظهار باطن همین امتحانات اجتماعی است که معلوم می شود چه کسی در واقع طرفدار چه کسی بوده است؛ اما در ظاهر طرفداری نمی کرده است.  **بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وآله**  نبّوت رسول اکرم صلی الله علیه وآله، نعمت بزرگی است و خیلی روشن و واضح است. اگر نبوت نبود، همة مردم، بت پرست می شدند. هر کسی در این امت و در آینده، قرار است به کمال برسد، مهذّب و مزکّی بشود، به برکت همین نبّوت ایشان است. ایشان حرف هایی آوردند و آنهایی که انتخاب کردند که عمل کنند و عمل کردند، استفاده بردند.  بنابراین، این همه رحمت و خیر و فضیلت، به برکت پیامبری ایشان به ما رسید؛ چون اگر ایشان واسطة فیض نبود، وحی دریافت نمی کرد و به ما نمی رساند، ما هم همچنان مانند آنهای دیگر بودیم.  **سیاست متقین**  شرح عبارت «وَ لَا دُنُوُّهُ بِمَکرٍ وَ خَدِیعَةٍ»1 در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام:  اینهایی که سیاس هستند، سیاست باز هستند، با خیلی ها به منظور مکر و خُدعه، نزدیک می شوند؛  می خواهند از آن فرد، استفاده سیاسی بکنند؛ اما متقین به کسانی که نزدیک می شوند، مکر و خدعه در کارشان نیست. اگر آدم خوبی است به او نزدیک می شوند و با او دوستی می کنند.  بنابراین، مثل انسان های بی تقوا، اهل سیاست و خدعه و مکر نیستند؛ بلکه اگر به کسی نزدیک شوند، از راه اهل حق بودن اوست؛ از راه استفاده کردن حقیقت از اوست و وقتی از کسی فاصله می گیرند، چون او ناحق است، گرفتار باطلی از باطل هاست، لذا از او فاصله می گیرند.  **بزرگ ترین ریاضت نفس**  جریمه ای بهتر، معتدل تر و مؤثرتر از اجرای فرمان خدا برای نفس، وجود ندارد. واجب را پیاده کن و حرام را هم ترک کن. این، بزرگ ترین ریاضت و جریمه برای نفس است، نمی خواهد شما نذر کنی که پای پیاده مکه بروی؛ نه، همین که تصمیم بگیری نماز بخوانی، روزه بگیری، واجبات را انجام بدهی، این بهترین ریاضت است و انسان را تربیت می کند و ایمان، بالا می رود، ایمان که بالا رفت، همة داخل انسان اصلاح می شود. کسانی که نذر سنگین و شاق می کنند، اما پاره ای از واجبات را انجام نمی دهند یا پاره ای از محرمات را مرتکب می شوند، تا آخر هم موفق نمی شوند؛ چون گناه، کارش تخریب است. گناه را نباید بغل عبادت بگذاری.  **آرزوهای بزرگ و تبعیت از هوای نفس**  قال علی علیه السلام: «أَلَا إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَیکمْ خَلَّتَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَی وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَی فَیصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَینْسِی الْآخِرَةَ »؛  حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دو چیز است که خیلی من می ترسم از این که شما دچار آن دو چیز بشوید؛ یکی به دنبال خواسته های نفس رفتن؛ یعنی متابعت هوا [یعنی] آدم هر چه دلش می خواهد، دنبالش برود؛ لباس خوب، غذای خوب، خانة خوب، زن خوب و آن خوب هایی که آدم دلش می خواهد. خوب در این خوب ها، گاهی هم حرام هست. اگر از حرام نتوانیم بگذریم، آن وقت نگذشتن در انسان، قوی ترمی شود و بعد دیگر عاجز می شود و از دَم، حرام و حلال را درو می کند و جلو می رود و این، مظنه ترس است؛ هم دنیا را خراب می کند و هم آخرت را و هم صفات بد در انسان تولید می کند و هم گرفتاری عقوبت در آخرت را. خدای متعال بحث متابعت هوا را در قرآن آورده است؛ «وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوَی، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِی الْمَأْوَی».2 اگر از هوای حرام خودداری کردیم، بهشت، جایگاه ما خواهد بود. این قدر مسئله مهم است و غالباً افراد نمی توانند. عادت، محکم شده است؛ فشار زیاد می آید و آدم نمی تواند و گرفتار می شود و روز به روز هم فشار سنگین تر می شود و دیگر آدم از کار می افتد. مسئله دوم هم «طول امل» است. هر وقت آدم خلوت پیدا کرد، در فکر می رود که فلان جا خانه بخرم؛ شصت سال دیگر قیمت آن، آن گونه می شود. آن کار را بکنم، پنجاه سال دیگر این جوری می شود، هیچ چیز از این فکرها درنمی آید و دچار خستگی می شود و فردا می میرد و عمرش هم تلف شده و زمین ها به قیمت نرسیده است؛ لذا خطرناک است. اگر انسان می خواهد سالم زندگی کند، باید هم از هوای حرام اجتناب کند و هم از آرزوهای طویل و درازی که در عمر ما نمی گنجد. |